

ارزیابی و تحلیل عملیات بانکی بدون ربا در نظام

بانکی ایران ۱۳۷۰ - ۱۳۶۳

چکیده

تجربه ایجاد یک نظام بانکی عاری از بهره یا ربا که در کشور ما طراحی و عملیاتی گردید یکی از موارد مهمی است که نیاز به ارزیابی و تحلیل دقیق دارد. نظامی که در آن بهره حرام و سود جایز شمرده می شود بدین طریق فعالیتهای بانکی پیرامون فعالیتهای واقعی اقتصادی سرو سامان می یابد.

نظام بانکی در طول مدت فعالیت براساس حذف ربا موفق شده است منابع خود را افزایش داده و در مورد اعطای تسهیلاتی که در اختیار دارد اقدامات روبه رشدی را انجام دهد. فعالیتهای به عمل آمده در بخش تسهیلات اعطائی عمدتاً معطوف به عقود فروش اقساطی، مضاربه، مشارکت مدنی و معاملات سلف بوده است. هر چند تسهیلات اعطایی عرضه شده در قسمت قرض الحسنه به دلائل مختلف نسبت به تقاضا کم بوده و به همین جهت شبهه استثماری بودن را آن طور که شایسته می باشد از نظام بانکی ما ننگرفته است. نظام موجود علیرغم تجارب ارزنده ای که در عمل به دست آورده است و با وجودی که به لحاظ نظری کاملاً عاری از ربا می باشد لیکن در عمل با مسائل و مشکلات قانونی و اجرایی روبه روست که

عنایت به حل آنها در تسهیل روند فعالیتهای آن تأثیر لازم را خواهد داشت. ضرورت تلاش برای نگرش به نظام بانکی در اقتصاد یک جامعه اسلامی و از بین بردن نگرش دایر بر بررسی عملکرد نظام بانکی بدون ربا در ظرفی از مناسبات اقتصادی کاملاً سرمایه داری از ضرورت ایجاد نهادهائی مناسب برای تمهید شرایط اقتصادی متناسب با روح حاکم بر عملکرد نظام بانکی بدون ربا حکایت می‌کند.

تبیین تئوریک تفاوت «سود» و «ربا»

قانون عملیات بانکی بدون ربا در تاریخ ۷۲/۶/۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۷۲/۶/۱۰ به تأیید شورای محترم نگهبان رسید و از آغاز سال ۱۳۶۳ در بانکهای کشور به مورد اجرا گذاشته شد. بر این اساس، عملیات بانکی در کشور مبری از ربا تلقی شده و جهت انجام مأموریت محوله مجموعه‌ای از اعمال و فعالیتهای بانکی را عهده‌دار گردیده است. شاید بتوان گفت که ویژگی ممتاز نظام بانکی در شرایط جدید برخورداری از مقوله‌ای به نام «سود» و فقدان مقوله‌ای به نام «ربا» است و به همین جهت ضرورت دارد از جهت نظری به تبیین مفهوم «سود» و «ربا» پرداخته و تفاوت این دو از هم مشخص گردد و کاری که در این فصل درصدد انجام آن هستیم.

بهره (ربا): مفهوم ربا و بهره در این پژوهش یکسان فرض شده است، لذا هر چند ممکن است در مواردی کسانی به تفاوت بین این دو واژه قائل شده باشند لیکن جهت سهولت کار و با عنایت به این که این ملاحظه مشکلی در ادامه بحث ایجاد نمی‌کند، با آنها به صورت واژه‌های هم معنی برخورد می‌کنیم.* ربا یکی از

* - در بند ۹ ماده ۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز ربا و بهره مترادف قلمداد گردیده است.

منفورتترین واژه‌ها و در ردیف زشت‌ترین اعمال برای کسانی است که به اسلام ایمان دارند، به نحوی که پرداختن به آن در حکم محاربه با خداوند و پیامبر او دانسته شده است^(۱). همچنین روایت شده است که رباخواری به منزله ارتکاب زنا با محارم در خانه خدا (بیت‌الله الحرام) است^(۲).

از شدت نهي نهفته در خصوص ارتکاب ربا این معنی را استنباط می‌نمائیم که شارع مقدس عملیات ربوی را بدون قید و شرط برای جامعه اسلامی ممنوع نموده است و حضور آن را از نشانه‌های اعمالی دانسته است که اگر افراد مرتکب آنها شوند در واقع اسلامیت خود را از دست داده‌اند. این مهم این کنجکاوی را در پژوهشگر ایجاد می‌کند که در جستجوی آن برآید که «ربا» چیست؟ و دلائل حرمت آن کدامند؟ اعمال آن چه مشکلاتی برای فرد و جامعه ایجاد می‌کند که بدترین کسب‌ها^(۳) و موجب فساد در اموال و تجارت و رکود فعالیت دانسته شده است^(۴)؛ خورنده آن ملعون معرفی شده و حتی از به قتل رساندن^(۵) مرتکب آن صحبت شده است و بالاخره از ربا تلقی ظلم^(۶)، محو نیکی^(۷)، هلاک فردی^(۸) و هلاکت

۱- در آیه ۲۷۸ از سوره بقره آمده است که ای اهل ایمان از خدا بپرهیزید و از ربا هر چه را که مانده است رها کنید. اگر ایمان دارید، و اگر نکرديد اعلان جنگ به خدا و پیامبرش داده‌اید.

۲- از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که «هم در ربا عظم عتدا... عزوجل من سبعین زنی کلها بذات محرم فی بیت... الحرام» سفینه البحار، جلد اول، صفحه ۵۰۷. همچنین مکارم الاخلاق، صفحه ۵۱۵ و وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحات

۴۲۴ - ۴۲۳

۳- التبی (ص): الشرائع کسب الربا، الحیة، صفحه ۴۰۲ جلد ۵.

۴- وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحات ۴۲۷ - ۴۲۶.

۵- تفسیر قمی، جلد ۱، صفحه ۹۳. همچنین وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحات ۴۲۹.

۶- علل الشرائع، صفحه ۴۸۳ (به نقل از امام رضا علیه‌السلام).

۷- همان مأخذ (به نقل از امام باقر علیه‌السلام)، صفحه ۴۸۳.

اجتماعی^(۹) گردیده است ؟

در روایتی منسوب به امام رضا(ع) تقریباً تمامی این موارد به عنوان علل تحریم بیان گردیده است. در این روایت آمده است که خداوند عزوجل از ربانهای کرد چون مایه تباهی اموال است زیرا انسان اگر یک درهم را به دو درهم بخرد بهای درهم، درهم است و بهای درهم دیگر باطل (و بدون حق) است پس خرید و فروش ربوی در هر حال برای فروشنده و خریدار زیان و کمبود دارد. پس خداوند متعال ربا را ممنوع اعلام کرد زیرا اموال تباه می‌گردد چنان که منع کرد سفیهان اموال خود را در دست بگیرند چون تباهی آن اموال می‌رود^(۱۰).

«سود» و «ربا»

متأسفانه علیرغم حجم گسترده مطالبی که در ادبیات موجود اقتصاد اسلامی در خصوص ربا وجود دارد. به جرأت می‌توان ادعا کرد که در کمتر اثری از آنها می‌توان مفهوم ربا را یافت. مباحث زیادی درباره ربا و حرمت آن و آثار فردی و اجتماعی مترتب بر آن و همچنین مفاهیم لغوی برای ربا وجود دارد لیکن از تعریف اصطلاحی آن بحث نشده است.

از مجموعه مطالب موجود در خصوص ربا برمی‌آید که شارع مقدس اسلام نه تنها پول را - بازاری که در آن عرضه و تقاضای پول مطرح باشد و متناسب با مقتضیات حاکم بر تقاضا و عرضه قیمتی برای پول (بهره) تعیین شود - به رسمیت نمی‌شناسد بلکه شدیداً آن را نفی می‌نماید. البته این مطلب بدان معنی نیست که پول نتواند از مجاری تعیین حدود شده منتفع گردد و به عبارت دیگر عرضه - کننده

۸- سفینه البحار، جلد اول، صفحه ۵۰۷.

۹- وسائل الشیعه، جلد ۱۲ صفحات ۴۲۷

۱۰- عیون اخبار الرضا(ع)، جلد ۲، صفحات ۹۴ - ۹۳.

پول نتواند با حضور در بازار و عرضه پول خود بلافاصله از منافی احتمالی که تحت عنوان بهره یا قیمت پول از آن نام می‌بریم، برخوردار گردد.

از آنجا که در یک بازار رقابتی کامل تقاضاکننده و عرضه‌کننده پول با قیمت تعیین شده‌ای برای پول مواجه هستند براساس مطالب پیش گفته عرضه‌کننده پول نمی‌تواند در بازار حضور یافته و پول را با قیمت تعیین شده در بازار^(۱) عرضه و بهای آن را دریافت نماید. زیرا در چنین شرایطی در واقع عرضه‌کننده پول می‌تواند مشخصاً محاسبه نماید که از بابت فروش پول خود چند منفعت (بهره) به دست می‌آورد. هر موقع که احساس کند نرخ بهره شرایطی را دارد که عرضه پول به نفع مورد انتظار او نزدیک و یا منطبق است پول خود را عرضه و هر زمان احساس کند با انتظارات او تطبیق نمی‌نماید از عرضه پول خودداری می‌کند. در چنین بازاری برای عرضه‌کننده هیچ ریسکی مطرح نیست و او خطر نمی‌کند و از دریافتی مطمئن (بهره) و از پیش تعیین شده‌ای برخوردار است. بنابراین می‌توان «ربا» را تحصیل مطمئن و جوهی دانست که از بابت عرضه پول در اختیار عرضه‌کننده قرار می‌گیرد و مقدار آن در لحظه عرضه در بازار مشخص و قابل محاسبه است.

اسلام با دریافت این‌گونه منافع تحت عنوان ربا (بهره) مخالفت نموده و آن را تحریم کرده است. جدای از این‌گونه منافع، مجاری بسیاری در شرع مقدس تعبیه گردیده است که عرضه‌کننده پول می‌تواند از طریق آنها منافع ناشی از عرضه پول خود را دریافت نماید که این مجاری در فصول بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرند. اما جملاً باید گفت که اسلام سود را که عبارت از تفاوت درآمد^(۲) و هزینه^(۳) است به رسمیت می‌شناسد. همان‌طور که واضح است در یک فعالیت تولیدی و با

1- Given

2- Income

3- Cost

خدماتی سود عبارت از مانده درآمد پس از تحصیل آن و رفع هزینه‌های مترتب بر آن فعالیت است. مقوله‌ای که چون برای انجام عمل تولیدی و یا خدماتی به زمان احتیاج است می‌تواند از طریق دچار نوسان شدن درآمد و هزینه (درجهت افزایش یا کاهش) مشمول تغییرات گردد و مقدار قطعی و مشخص آن فقط در پایان دوره فعالیت مربوطه مشخص می‌شود.

اگر این معنی را با ریسک که در فعالیتهای اقتصادی از موضوعیت مشخصی برخوردار است توأم نمائیم تحقیقاً به این نتیجه می‌رسیم که میزان دقیق سود در هر فعالیت اقتصادی تابع متغیرهای بسیاری است که اگرچه تعیین حدود آن غیرممکن نیست اما هرگز نمی‌توان به اندازه دقیق آن قبل از آن که فعالیت صورت بگیرد و یا اگر آغاز شده پایان یابد، دست یافت.

بنابراین پول در صورتی که در روند تولید کالا و یا ارائه خدمات وارد شود و به واسطه مشارکت آن «سود»ی نصیب بنگاه اقتصادی شود از منافع حاصله برخوردار و هیچ مهم نیست که مقدار آن کم یا زیاد باشد. به عبارت دیگر در یک وضعیت مقایسه‌ای اگر نرخ بهره در بازار پول i درصد و نرخ سود حاصل از مشارکت پول در تولید کالا یا ارائه خدمات مفروضی (π) درصد باشد و $(\pi > i)$ گردد هیچ اشکالی به لحاظ شرعی وارد نیست همان طور که اگر $(i > \pi)$ هم باشد مشکلی پیدا نمی‌شود.

همانطور که ملاحظه می‌شود اسلام سود را به عنوان منافع پولی که در جریان تولید قرار گرفته و در معرض ریسک وارد شده می‌پذیرد. مهمترین مشخصه چنین منفعتی آن است که صاحب پول از آغاز نمی‌تواند نسبت به دریافت وجوه معین و تضمین شده‌ای اطمینان خاطر داشته باشد. ما در خصوص آثار و ویژگیهای مجاری مختلفی که اسلام بدان وسیله منافع پول را جایز می‌داند در قسمتهای بعدی بحث خواهیم نمود در ادامه این مطلب بر آن هستیم تا مطالب مطرح شده را با آیات و

روایات مستندتر نمایم.

خداوند در آیه ۲۷۵ سوره بقره در مورد رباخوران فرموده است: «اینان گفتند داد وستد مانند ربا است حال آنکه خداوند خرید و فروش را حلال و ربا را حرام فرمود»^(۱) در این آیه خرید و فروش به معنی درگیر شدن یک بنگاه فعالیت اقتصادی حلال دانسته شده است.

حضرت علی علیه السلام نیز در نامه‌ای به مالک اشتر فرماندار مصر در بیان چرائی توصیه به رعایت حال بازرگانان و پیشه‌وران می‌فرماید: این صنف مردم، چه آنان که در شهرها نشسته‌اند و چه آنان که بین شهرها با مال خود در رفت و آمدند و بعضی که کارگرد و با تلاش بدن کسب روزی می‌کنند، مایه‌های سودمند و ابزار و آلات زندگانی فراهم می‌آورند و از دیار دور و نزدیک کشور، خشکی و دریا و سرزمینهای هموار و کوهساران صعب‌العبور را در می‌نوردند و کالاهایی را در دسترس مردم نیست فراهم می‌آورند و جلب منفعت می‌کنند^(۲). بنابراین سود و جلب منفعت در واقع پاداش تلاش آنان در فعالیتی است که در آن احتمال سودآوری و هم احتمال خسارت و زیان مطرح است.

در اینجا بیان نکته‌ای در مورد تفکیک نرخ بهره اسمی از نرخ واقعی که توجه برخی از اقتصاددانان را نیز به خود معطوف داشته ضروری است. نرخ بهره واقعی نیز مقوله‌ای است که از قبل تعیین شدنی نمی‌باشد و لذا با مسامحه می‌توان گفت که آنچه مشمول مفهوم ربا می‌شود همان نرخ بهره اسمی است که آن هم در یک اقتصاد معیشتی و غیر پولی معنی می‌یابد. اکنون با توجه به این که در اقتصاد پولی و متحول امروزی نرخ بهره اسمی هم تا حدود زیادی غیر معین است بنابراین به لحاظ

۱- قالوا انما البيع مثل الربوا و اخل...البيع و حزم الربوا... (بقره ۲۷۵).

۲- نهج البلاغه، بخش دوم و سوم، صفحه ۲۲۳ و ۲۲۵، ترجمه دکتر اسدالله مبشری.

محتوایی تفاوتی بین نظام بانکداری بدون ربا که مبتنی بر مشارکت است و نظام اقتصاد بازار که مبتنی بر بهره‌اسمی است، وجود ندارد. صرف نظر از صحت و سقم این مطلب باید توجه داشت که حتی اگر این مطلب درست باشد باز هم مشکلی برای نظام بانکداری مبتنی بر مشارکت و سود نمی‌باشد زیرا حداقل آن است که ما از نظامی در کادر مفاهیم و باورهای مورد قبول مذهبی خود صحبت می‌کنیم که هیچ کاستی نسبت به نظامهای اقتصادی دیگر در زمینه‌های فعالیتهای بانکی و پولی ندارد. البته به عقیده ما امتیازات ویژه‌ای برای نظام بانکی بدون ربا مطرح می‌باشد که خاص خود آن است و در جای خود بدان اشاره می‌شود.

در نظام بانکداری بدون ربا که در کشور ما از آغاز سال ۱۳۶۳ به بعد اجرا می‌گردد مفهوم سود و همچنین ربا یا بهره به همان طریقی آمده است که ما در مطالب قبلی مطرح کردیم، برای نمونه به این عبارت توجه شود:

در ماده ۴ دستورالعمل اجرائی قبول سپرده مربوط به سپرده‌های قرض الحسنه آمده است که بانکها می‌توانند بدون تعهد یا قرار قبلی با سپرده‌گذار عنداللزوم جوایزی را به دارندگان سپرده‌های قرض الحسنه اعطا نمایند. همچنین در ماده ۱۰ فصل دوم آئین‌نامه قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب هیأت وزیران آمده است که «به هیچ یک از سپرده‌های دریافتی تحت عنوان سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت دار رقم تعیین شده از قبل به عنوان سود پرداخت نخواهد شد».

ارزیابی و تحلیل عملکرد نظام بانکی

نظام بانکی کشور در قالب ۶ بانک تجاری و ۳ بانک تخصصی در دو بخش قبول سپرده و اعطای تسهیلات فعالیت دارد. در بخش قبول سپرده عملکرد این نظام مطابق جدول شماره (۱) می‌باشد. همانطور که ملاحظه می‌شود در فاصله سالهای ۱۳۷۰ - ۱۳۶۳ سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و بلند مدت از

۱۸۴۰/۳۰ میلیارد ریال به ۱۱۸۹۸ میلیارد ریال یعنی تقریباً ۶/۵ برابر رسیده است و در همین مدت سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز با رسیدن به رقم ۱۸۶۸ میلیارد ریال از ۷۸۵/۸ میلیارد ریال سال ۱۳۶۳ در واقع ۲/۴ برابر گردیده است و این در حالی است که در مجموع سپرده‌های موجود نزد شبکه بانکی کشور در فاصله سالهای مورد بررسی ۴ برابر شده است.

در بررسی ترکیب سپرده‌ها می‌توان از کاهش سهم سپرده‌های جاری در مجموع سپرده‌ها (دارای نوسان در دامنه‌ای بین ۳۳ تا ۴۴ درصد) و افزایش سهم سپرده‌های سرمایه‌گذاری اعم از کوتاه یا بلند مدت نشان گرفت (از ۲۹ درصد تا ۵۶ درصد). سهم سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز علیرغم افزایش میزان مطلق آن (۲/۴ برابر) تنزل پیدا کرده و از ۱۲ درصد در سال ۱۳۶۳ به ۷ درصد در سال ۱۳۷۰ رسیده است و این می‌تواند بیانگر آن باشد که این سپرده‌ها نسبت به سپرده‌های سرمایه‌گذاری به دلایل تقریباً شناخته شده‌ای از اولویت برخوردار نیستند.

در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران بانک به وکالت از طرف سپرده‌گذاران با متقاضیان دریافت تسهیلات وارد مذاکره شده و در قالب عقود معینی که در قانون مشخص گردیده است نسبت به اعطای تسهیلات از طریق عقد قرارداد اقدام می‌نماید. جدول شماره (۳) نشان دهنده نوع عقود و میزان تسهیلات پرداختی از سوی نظام بانکی طی سالهای دوره مورد مطالعه است. همان طوری که جدول شماره (۴) نشان می‌دهد سهم فروش اقساطی طی سالهای مختلف از ۲۱ درصد در سال ۱۳۶۳ به ۶۱ درصد در سال ۱۳۶۶ و سپس ۴۶ درصد در سال ۱۳۷۰ رسیده است که بیانگر اهمیت این عقد در نظام بانکی است در حالیکه سهم عقود مثل مشارکت حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم و جعاله و حتی معاملات سلف بسیار اندک بوده است و عقود مزارعه و مساقات تاکنون مورد استفاده قرار گرفته است جدول شماره (۵) عمده تسهیلات اعطائی بانکهای کشور را در مقایسه با عقد

مربوط به قرض الحسنه اعطائی مورد مقایسه قرار می دهد.

همان طور که ملاحظه می شود سه عقد فروش اقساطی و مضاربه و مشارکت مدنی بترتیب مهمترین سهم را در ترکیب سپرده های بانکی دارند، به نحوی که در ۶ سال از دوره مورد بررسی مجموع این سه عقد تقریباً ۷۵ درصد از تسهیلات را شامل گردیده است و نشان می دهد که بانکها و یا مشتریان تأکید ویژه ای بر استفاده از این عقود سه گانه داشته اند. هرگاه مجموعه این سه عقد باهم و یا سهم هر یک از آنها با سهم قرض الحسنه اعطائی مقایسه گردد متوجه سهم اندک قرض الحسنه اعطائی می شویم که می تواند حاکی از عدم تمایل نظام بانکی به واگذاری این تسهیلات باشد. در هر حال سهم چهار عقد فروش اقساطی، مضاربه و مشارکت مدنی و قرض الحسنه اعطائی از ۵۹ درصد در سال ۱۳۶۳ تا ۸۸ درصد در سال ۱۳۶۶ متغیر بوده و بالاخره با تغییرات کمی در سال ۱۳۷۰ به رقم ۸۲ درصد رسیده است.

جدول شماره (۳)

مادۀ تسهیلات اعطائی سیستم بانکی کشور به تفکیک عقود ۱۳۶۳ - ۱۳۷۰ (میلیارد ریال)

نوع عقد	سال	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰
فروش اقساطی		۲۰۰/۸۱۴	۹۵۲/۳۷۰	۸۸/۴۱۰	۲۸۲۶/۵۰۸	۲۱۰۳/۷۹۷	۳۱۹۳/۵۵۳	۴۶۱۵/۷۵۶	۶۱۶۱/۰۱۲
مضاربه		۱۳۸/۶۳۸	۳۴۷/۶۳۹	۶۰۵/۵۷۳	۶۱۶/۰۷۹	۷۷۵/۶۵۲	۱۱۲۰/۲۳۸	۱۵۷۷/۷۴۰	۱۶۰۰/۷۲۲
مشارکت مدنی		۱۰۵/۹۰۸	۲۲۷/۵۵۱	۳۵۲/۰۷۰	۴۹۴/۲۰۱	۶۸۲/۲۸۷	۸۱۸/۹۷۳	۱۲۷۷/۲۶۶	۲۸۰۰/۱۰۵
معاملات سلف		۲۰/۰۴۲	۶۰/۹۰۳	۱۰۶/۱۶۴	۱۶۰/۷۰۱	۲۷۲/۱۸۸	۵۵۵/۹۶۷	۵۸۲/۱۱۰	۸۵۴/۶۱۷
خرید دین		۹۱/۴۶۲	۱۸۳/۵۹۸	۱۷۶/۵۵۶	۱۰۳/۰۵۴	۵۱/۰۷۳	۴۰/۱۷۶	۱۲۱/۰۹۵	۱۵۰/۹۱۷
اجاره به شرط تملیک		۸/۹۲۲	۱۰/۵۱۷	۱۵/۹۳۴	۱۷/۸۹۴	۱۷/۰۸۵	۱۴/۱۶۷	۱۱۳/۴۴۵	۱۱۱/۶۰۵
جمعا		۲/۹۶۶	۶/۲۷۱	۲۸/۳۱۲	۵۱/۳۸۶	۱۱۵/۱۹۳	۳۶۵/۸۶۵	۶۵۴/۶۴۰	۹۸۶/۳۲۹
سرمایه گذاری مستقیم		۱۸/۱۹۵	۱۳/۰۶۶	۱۴/۴۵۶	۱۴/۴۵۷	۲۸/۸۵۲	۳۰/۳۶۰	۲۷/۸۲۸	۵۲/۴۶۶
سایر		۲۴۵/۶۲۰	۳۵/۲۰۶	۱۹۹/۶۹۲	۱۹۶/۱۰۰	۳۴۵/۷۵۹	۴۹۵/۷۹۷	۲۹۲/۴۰۳	۳۹۲/۲۸۰
قرض الحسنه اعطائی		۱۲۷/۶۸۴	۲۲۷/۲۵۴	۳۴۷/۸۱۰	۱۳۷/۹۳۷	۴۷۶/۲۱۹	۴۳۹/۲۸۷	۷۳۱/۷۳۴	۸۵۹/۸۷۶
مشارکت حقوقی		۴/۰۲۲	۰/۰۸۷	۳/۶۷۵	۵/۶۴۵	۱۹/۳۶۵	۲۱/۹۶۹	۱۷/۷۴۳	۲۷/۶۰۳
جمع		۹۶۴/۲۷۳	۲۰۶۵/۴۶۲	۲۷۰۸/۶۴۲	۴۶۲۳/۹۶۲	۴۸۸۷/۴۷۰	۷۰۹۶/۳۵۲	۱۰۰۱۱/۷۶۰	۱۳۸۶۲/۵۳۲

جدول شماره (۴)

درصد مانده تسهیلات سیستم بانکی کشور به تفکیک عقود ۱۳۷۰ - ۱۳۶۳

نوع عقد / سال	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰
فروش اقساطی	۲۱	۴۶	۳۲	۶۱	۴۳	۴۵	۴۶	۴۴
مضاربه	۱۴	۱۷	۲۲	۱۳	۱۶	۱۶	۱۶	۱۲
مشارکت مدنی	۱۱	۱۱	۱۳	۱۱	۱۴	۱۲	۱۳	۲۰
معاملات سلف	۲	۳	۴	۳	۶	۸	۶	۶
خرید دین	۹	۹	۷	۲	۱	۱	۱	۰
اجاره به شرط تملیک	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱
جعاله	۰	۰	۱	۱	۲	۵	۷	۷
سرمایه گذاری مستقیم	۲	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰
سایر	۲۵	۲	۷	۴	۷	۷	۳	۳
قرض الحسنه	۱۳	۱۱	۱۳	۳	۱۰	۶	۷	۶
مشارکت حقوقی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۹۸	۱۰۱	۱۰۰	۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۹۸

جدول شماره (۵)*

عمده تسهیلات اعطائی بانکهای کشور در سالهای ۱۳۷۰ - ۱۳۶۳ (درصد)

سال	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰
۱. فروش اقساطی	۲۱	۴۶	۳۲	۶۱	۲۳	۴۵	۴۶	۴۴
۲. مضاربه	۱۴	۱۷	۲۲	۱۳	۱۶	۱۶	۱۶	۱۲
۳. مشارکت مدنی	۱۱	۱۱	۱۳	۱۱	۱۴	۱۲	۱۳	۲۰
۴. جمع (۱ و ۲ و ۳)	(۴۶)	(۷۴)	(۶۷)	(۸۵)	(۷۳)	(۷۳)	(۷۵)	(۷۶)
۵. قرض الحسنه اعطائی	۱۳	۱۱	۱۳	۳	۱۰	۶	۷	۶
۶. جمع (۴ و ۵)	(۵۹)	(۸۵)	(۸۰)	(۸۸)	(۸۳)	(۷۹)	(۸۲)	(۸۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* - مأخذ: مجموعه جداول ترکیبی است و توسط محقق با استفاده از ترازنامه بانکها و اطلاعات دریافتی و مراجعات حضوری محاسبه شده است.

عدم امکان بررسی آثار بانکداری بدون ربا در بخشهای اقتصاد

از جمله اهداف قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) فعالیت در جهت تحقق اهداف و سیاستها و برنامه‌های دولت اسلامی با ابزارهای پولی و اعتباری و همچنین ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض الحسنه از طریق جذب و جلب وجوه آزاد، اندوخته‌ها، پس‌اندازها و سپرده‌ها و بسیج و تجهیز آنها در جهت تأمین شرایط کار و سرمایه‌گذاری به منظور اجرای بند (۲) و (۹) از اصل چهل و سوم قانون اساسی است. مفاد بندهای (۲) و (۹) اصل ۴۳ قانون اساسی به شرح ذیل می‌باشد:

بند (۲) - تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی به مسائل کار ندارند در شکل تعاونی از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

بند (۹) - تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خود کفائی برساند و از وابستگی برهاند. همانطور که ملاحظه می‌شود قانونگذار بر آن بوده است که نظام بانکداری را در خدمت اشتغال کامل نیروی انسانی، فراهم کردن ابزار کار برای افراد، جلوگیری از تمرکز و تداول ثروت و تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی و بالاخره خود کفائی کشور و رهایی از وابستگی درآورد. اندازه‌گیری این مهم و تعیین میزان توفیقی که نظام بانکی کشور داشته است منوط به وجود شرایطی است که من حیث المجموع در این کار تحقیقاتی به فقدان تمام یا بخش عمده‌ای از آن شرایط

واقف شدیم. به عنوان مثال ما انتظار داشتیم بانکهای کشور آمار سالانه اعطای تسهیلات خود را در بخشهای مختلف اقتصادی و بتفکیک انواع فعالیت در استانها و شهرستانها در اختیار داشته باشند و بتوانند تعداد تسهیلات گیرندگان اشتغال حاصل از تسهیلات دریافتی مشتریان، حجم تولید و یا اندازه آنچه تولید شده است (اعم از کالا و خدمات) را داشته باشند و بتوانند سهم شبکه بانکی را در سرمایه گذاری های جدیدی که در زمینه های مختلف در کشور به عمل آمده است، تعیین کرده و تصویر روشنی از تأثیرات خود را بر متغیرهای کلان اقتصادی ارائه نمایند.

متأسفانه انجام این امر از طریق شبکه بانکی میسر نگردید و حتی در پاره ای از موارد دست اندرکاران ضمن اینکه آمار در این حد و به این جزئیات در اختیار نداشتند، براین عقیده بودند که اصولاً برای آنان روند کلی متغیرها در مجموع مهم است و اهمیتی به این که در فلان استان وام اعطاشده بابت کشاورزی چقدر توانسته است سطح زمین زیر کشت چغندر را افزایش داده و چند نفر را شاغل نماید، نمی دهند. مقوله ای که در هر حال امکان ارزیابی ما را از تأثیر اجرای نظام بانکداری بدون بهره بر متغیرهای اقتصادی بسیار کاهش می دهد.

روشن است که چنانچه شرایط کامل اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) فراهم شود - با عنایت به آنچه در قانون و دستورالعملهای اجرائی و نظارتی آن آمده است - انتظار می رود میزان تولید افزایش یابد و احتمالاً میزان اشتغال نیز بالا رود و سطح عمومی قیمتها در کالاهایی که تولید آنها به نوعی مرتبط با خدمات و کالاهای تولیدی فعالیتها ناشی از تسهیلات شبکه بانکی می باشد - به خاطر افزایش عرضه کالا و خدمات نسبت به تقاضا - کاهش پذیرد. در خصوص میزان سرمایه گذاری نمی توان از پیش صحبتی کرد و البته احتمالاً می تواند با نرخ سود بانکی رابطه مستقیم داشته باشد.

با توجه به موارد مطرح شده و با عنایت به نقصان تولید آمارهای مورد نظر در این ارتباط فقط تهیه جدولی از نوع جدول شماره (۶) که در آن مانده تسهیلات اعطائی بانکهای کشور (میلیارد ریال) در دوره مورد بررسی به بخشهای ۴ گانه بازرگانی و خدمات، کشاورزی، صنعت و معدن، ساختمان و مسکن نشان داده شده است فراهم گردید. همانطور که جدول نشان می دهد مانده تسهیلات دریافتی توسط بخش بازرگانی و خدمات در دوره مورد بررسی ۲/۵ برابر، بخش کشاورزی ۶ برابر، بخش صنعت و معدن ۵/۴ برابر و بالاخره بخش ساختمان و مسکن ۴/۱ برابر شده است.

این در حالی است که علیرغم افزایش اندازه مطلق، مطابق جدول شماره (۷) سهم بخش بازرگانی و خدمات از ۳۱/۹ درصد در سال ۱۳۶۳ به ۱۹/۳ در سال ۱۳۷۰ تنزل یافته است ولی کشاورزی از ۱۲ درصد در سال مبداء به ۱۷/۶ درصد در سال پایانی رسیده است. سهم صنعت و معدن نیز با افزایشی حدود ۷ درصد مواجه بوده است و در عین حال سهم بخش ساختمان و مسکن که در سال ۱۳۶۳ رقم ۴۳/۳ درصد را داشته است پس از رسیدن به رقم ۴۲/۸ درصد در سال ۱۳۶۶ سرانجام در سال ۱۳۷۰ تقریباً معادل سهم خود در آغاز دوره شده است (۳۴/۲ درصد).

بدیهی است این ارقام روند واقعی فعالیتهای اقتصادی تأمین مالی شده توسط نظام بانکی را نشان نمی دهد زیرا این احتمال وجود دارد که بخشهای مورد نظر تسهیلات دریافتی را در جای خود هزینه نکرده باشند (به اقدامات صوری دست یازیده باشند) لذا نمی توان با قاطعیت در خصوص اندازه گیری تأثیرات این نحوه تأمین مالی بر متغیرهای کلان در اقتصاد صحبت به میان آورد.

جدول شماره (۶)

مانده تسهیلات اعطائی بانکهای کشور به بخشهای اقتصادی

۱۳۷۰ - ۱۳۶۳ (میلیاردریال)

بخش سال	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰
بازرگانی و خدمات	۱۲۹۵/۵	۵۹۹/۳	۹۲۰	۸۷۳/۷	۱۶۸۸/۶	۱۹۷۱/۸	۲۵۵۸	۳۳۳۲/۳
کشاورزی	۴۸۶/۰۳	۶۲۹/۸۱	۷۱۸/۵	۹۰۰/۵	۱۲۲۱	۱۷۶۲/۳	۲۱۳۳/۸	۲۹۲۹/۱
صنعت و معدن	۹۳۸	۸۳۷/۲	۱۰۵۶/۲	۱۱۲۴/۵	۱۵۱۳/۸	۲۰۲۷/۹	۳۰۷۹/۹	۵۰۴۱/۶
ساختمان و مسکن	۱۳۵۲/۸	۱۲۶۴/۴	۱۷۳۴/۷	۲۱۶۹/۳	۲۵۵۰/۳	۳۳۰۵/۶	۴۰۳۶/۸	۵۵۷۲/۶
جمع	۴۰۶۴/۳۳	۳۳۲۰/۷۱	۴۳۹۹/۴	۵۰۶۸	۶۹۷۳/۷	۹۰۶۹/۶	۱۱۸۰۸/۵	۱۶۷۹۷/۶

جدول ترکیبی با استفاده از ترازنامه بانکها و اطلاعات دریافتی در مراجعات حضوری

جدول شماره (۷)

مانده تسهیلات اعطائی بانکهای کشور به بخشهای اقتصادی

۱۳۷۰ - ۱۳۶۳ (میلیاردریال) (درصد)

بخش سال	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰
بازرگانی و خدمات	۳۱/۹	۱۸	۲۱	۱۷/۲	۲۴/۲	۲۱/۷	۲۱/۷	۱۹/۳
کشاورزی	۱۲	۱۹	۱۶/۳	۱۷/۸	۱۷/۵	۱۹/۵	۱۸/۱	۱۷/۶
صنعت و معدن	۲۲/۹	۲۵۲	۲۴	۲۲/۲	۲۱/۷	۲۲/۴	۲۶/۱	۳۰
ساختمان و مسکن	۳۳/۳	۳۸	۳۹/۴	۲۲/۸	۳۶/۶	۳۶/۴	۳۶/۲	۳۳/۲
جمع	۱۰۰/۱	۱۰۰	۱۰۰/۷	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۱

جدول ترکیبی محاسبه شده توسط محقق با استفاده از ترازنامه بانکها

و اطلاعات دریافتی در مراجعات حضوری

تحلیل مسائل نظری و اجرایی عملیات بانکی بدون ربا

در این قسمت به منظور بررسی مسائل مربوط به نظام بانکی بدون ربا و با اشکالات و معضلاتی که در حین اجرا متوجه نظام بانکی می‌شود ابتدا به بررسی مسائل قانونی پرداخته سپس نتایج حاصل از یک نظر سنجی را که در همین زمینه به عمل آمده است ذکر می‌کنیم.

۱ - مسایل قانونی :

بین برخی از مواد، ضوابط و روشهای قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۸ تیرماه ۱۳۵۱ با قانون عملیات بانکداری بدون ربا مصوب شهریور ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی مغایرتهایی وجود دارد و هنوز هم موادی از قانون پولی و بانکی که مغایر با قانون عملیات بانکداری بدون ربا می‌باشد، معتبر است. علاوه برآن، مسأله حفظ ارزش پول، اختیارات و ضوابط شورای پول و اعتبار، رابطه دولت و بانک مرکزی، مغایرتهایی که در ارتباط با بکارگیری برخی ابزارها به عنوان ابزار تجهیز منابع در ارتباط با کشورهای مختلف مطرح می‌گردد و تعیین انعطاف پذیر حداقل و حداکثر نسبتهای سپرده قانونی، مسأله نظارت بر امور بانکها و مؤسسات اعتباری، مسأله پشتوانه و... از جمله مواردی است که مشکلات نظری در ارتباط با اجرای صحیحتر عملیات بانکی بدون ربا ایجاد می‌کند و رفع آنها قابل بررسی است^(۱).

۱ - برای اطلاع بیشتر ر.ک : محمدرضا حاجیان، نگرشی بر قوانین پولی و بانکی کشور، روند، سال دوم، شماره ۴ و

۵ بهار و تابستان ۱۳۷۰، نشریه علمی تخصصی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۲- نتایج ناشی از استخراج پرسشنامه‌ها:

نکات ذیل از پاسخ ۱۸۰ نفر از رؤسا و معاونین شعبه‌های بانکهای شهر تهران استخراج شده است که در ارزیابی تجربی مسائل درگیربانکداری بدون ربا در سال ۱۳۷۲ با محقق همکاری کرده‌اند.

۲/۱- مسائل ناشی از تخصیص تسهیلات

- ۶۹٪ پاسخگویان گفته‌اند نرخ سود پرداختی توسط مشتریان به بانکها از بازار غیر رسمی پائینتر نیست؛
- ۶۹٪ از پاسخگویان مراحل اجرائی اعطای تسهیلات را مناسب دانسته‌اند؛
- ۵۳٪ از پاسخگویان گفته‌اند که استمرار همکاری با مشتریان با نرخ ثابتی که در آغاز مورد توافق بوده با مشکلی مواجه نبوده است؛
- ۶۵٪ از پاسخگویان گفته‌اند که در فعالیت بین بانکهای مختلف تداخل وجود دارد. (به نظرمی رسد غرض آنان مشابهت بوده است)؛
- ۵۲٪ از پاسخگویان گفته‌اند تعدد و تنوع عقود در بانکداری بدون ربامشکلی برای انتخاب نوع عقد ایجاد نکرده است؛
- ۶۴٪ از پاسخگویان گفته‌اند که احتمال وجود زیان برای بانکها وجود دارد؛
- ۷۱٪ از پاسخگویان گفته‌اند که منوط بودن همکاری برخی از سازمانها و ادارات دولتی جهت انعقاد عقود بین مشتری و بانک مشکل‌زا است.

۲/۲- مسائل مربوط به بانکهای تخصصی

- ۷۱٪ از پاسخگویان گسترش فعالیت بانکهای تخصصی را مورد تأیید قرار

داده‌اند؛

- ۶۹٪ از پاسخگویان وجود تداخل بین فعالیت بانکهای تجاری و تخصصی را مورد تأیید قرار داده‌اند؛

- ۷۳٪ از پاسخگویان اختصاص یافتن تسهیلات اعطائی به سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و زود بازده را تأیید کرده‌اند؛

- ۶۲٪ از پاسخگویان تمایل خود را به واگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم به دیگران مطرح کرده‌اند؛

- ۵۵٪ از پاسخگویان معتقد بوده‌اند هزینه‌ی مربوط به عقد قراردادها موجب کاهش سرمایه‌گذاری شده است؛

- ۴۷٪ از پاسخگویان گفته‌اند نرخ سود پرداختی به سپرده‌گذاران در بانکهای پائین است؛

- ۵۹٪ از سپرده‌گذاران یکسانی نرخ سود بین بانکها را عاملی در جهت کاهش انگیزه‌ی بانک به جذب سپرده ندانسته‌اند.

۲/۳ - سایر مسائل

- ۹۵٪ از پاسخگویان کمبود افراد متخصص و آموزش ندیده را مشکلی در روند امور تولیدی و سرمایه‌گذاری بانکها دانسته‌اند؛

- ۸۰٪ از پاسخگویان گفته‌اند به خاطر نداشتن نیروی آموزش دیده بانکها در انعقاد عقود با مشکل مواجه بوده‌اند؛

- ۶۸٪ از پاسخگویان گفته‌اند که دلیل عدم تخصص کارکنان بانکها ابزارهای پولی و بانکی به طور جامع به کار گرفته نمی‌شود؛

- ۵/۸۱٪ از پاسخگویان گفته‌اند مردم بانظام بانکی بدون ربا آشنایی ندارند؛

- ۶۹٪ از پاسخگویان گفته‌اند تمایل دارند با بانکهای درانجام فعالیت‌های

- برای آنها تسهیلات دریافت می‌کنند سهم باشند؛
- ۵۲٪ از پاسخگویان گفته‌اند مردم از نحوه ارائه خدمات بانکی رضایت دارند؛
- ۶۷٪ از پاسخگویان گفته‌اند مردم اعتماد دارند سپرده‌هایشان طبق عقود اسلامی به کار گرفته می‌شود؛
- ۶۴٪ از پاسخگویان گفته‌اند تسهیلات اعطائی بانکها در جهت افزایش تولید و اشتغال بکار گرفته می‌شود؛
- ۷۹٪ از پاسخگویان ابراز داشته‌اند معاملات در نظام بانکی صوری است و تسهیلات دریافتی در جای خود هزینه نمی‌شود؛
- ۷۲٪ از پاسخگویان گفته‌اند که نظام بانکی بر فعالیت مشتریان کنترل و نظارت ندارند؛
- ۶۸٪ از پاسخگویان عملکرد نظام بانکی را موفق دانسته‌اند؛
- ۶۸٪ از پاسخگویان گفته‌اند که نظام بانکی نسبت به دوران قبل از حذف ربا از بانکها خدمات بیشتری به مشتریان ارائه می‌دهد؛
- ۵۶٪ از پاسخگویان گفته‌اند انتظارات طولانی مشتریان و موجود نبودن وجه نقد در بانکها اعتماد مردم را به بانکها کاهش داده است؛
- ۳۶٪ از پاسخگویان قوانین بانکی را مطابق با قوانین اسلامی دانسته‌اند؛
- ۲۸٪ از پاسخگویان گفته‌اند خصوصی شدن بانکها با نظام بانکداری اسلامی منافات دارد؛
- ۶۲٪ از پاسخگویان گفته‌اند ملی شدن بانکها انگیزه رقابت در افزایش ارائه خدمات به مشتریان را کاهش داده است؛
- ۷۰٪ از پاسخگویان گفته‌اند جایگزینی مشارکت مدنی با سایر عقود از مشکلات نمی‌کاهد.

نتایج

در قسمتهای گذشته تلاش شد واقعیاتی آماری و تحلیلی که بردارندهٔ روند تشکیل سپرده و یا اعطای تسهیلات باشد را مطرح نموده و درخصوص میزان تسهیلات اعطائی بانکهای کشور به بخشهای مختلف اقتصادی اظهار نظر کنیم. همچنین براساس یافته‌های تحقیق و پرسشنامه‌ای که بین مسئولین شعب بانکی توزیع شد به طبقه‌بندی و تحلیل مشکلات اجرائی قانون بانکداری بدون ربا پرداختیم. در این ارتباط می‌توان پیشنهادات ذیل را به عنوان نتیجهٔ ارزیابی‌ها مطرح ساخت:

۱ - نظام بانکی کشور بدون ذره‌ای تردید از حیث تئوری «نظام»ی است که در آن ربا وجود ندارد. این مهم علیرغم آنچه در بسیاری از اذهان می‌گذرد از افتخارات کشور ماست. البته باید در کنار این اصل بنیادی این واقعیت را در نظر داشت که به دلائل بسیار زیادی ممکن است آنچه در عمل در سیستم بانکی می‌گذرد شبیهٔ ربوی بودن یا آلودگی به ربا را به لحاظ اجرا و مکانیسم عملی داشته باشد و این نکته‌ای است که به عوامل متعددی از جمله کارگزاران بانکی و یا طرز تلقی و شیوهٔ برداشت مشتری از موضوع بستگی دارد. به عبارت دیگر همانند بسیاری از امور دیگر در سیستم بانکداری بدون ربا تلاش کافی برای مثلاً طراحی سیستم حسابداری و ثبت حسابها به نحوی که با روح حاکم بر قانون بانکی بدون ربا متناسب باشد، اعمال نگردیده است و در مواردی گرایش بانک به سمت اتخاذ شیوه‌ای که کارنگهداری و وصول حسابها را تسهیل نماید، مشکلات شبیه ربوی بودن را دامن زده است. از آنجا که ربوی نبودن سیستم روح و جان نظام بانکداری ماست به نظر می‌رسد سیستم باید به طور جدی از طریق آموزش مشتری، تربیت کارگزار و طراحی شیوه‌های حسابداری متناسب و اصلاح روشهای مرتبط، با رفع

مشکل مورد بحث در واقع از حریم ربوی نبودن نظام بانکی حمایت بایسته کند؛ حمایتی که امروز متکی به حدود ۱۰ سال تجربه هم می باشد.

۲ - هرچند ارقام مربوط به سپرده های متنوع در سیستم بانکی و همچنین مانده تسهیلات اعطائی بانکها در قالب عقود مختلف من حیث المجموع روند صعودی داشته است ولی ما درخصوص این افزایش هیچ مطلبی را که بتوان آن را به اجرای قانون بانکداری بدون ربا مرتبط دانست نمی توانیم بیان کنیم. افزایش مبالغ به دلایل مختلف صورت می گیرد و در جامعه ای چون جامعه ما انتظار روندی افزایشی هم از آن می رود. البته اگر امکان داشت و توانائی تخمین اوضاع مربوط به ارقام را در یک سیستم غیرربوی داشتیم در آن صورت می توانستیم وضعیت موجود تحلیل شده در این تحقیق را به عنوان یک گروه شاهد در نظر گرفته و به مقایسه ارقام و درصد سهم سپرده های عقود مختلف در سالهای مورد بررسی با آنچه تخمین زده بودیم بپردازیم و آنگاه اظهار نظر کنیم که بر اثر اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا شاخص ها بهبود یافته و یادارای نقصان و مشکل شده است. در صورت مقایسه رشد شاخصهای متفاوت در مجموع سنوات مختلف بسیاری از مطالب در خصوص اجرای این قانون مطرح می شد. اما فعلاً امکان چنین بحثی نیست.

تنها کاری که می شود انجام داد آن است که مقایسه ای بین روند افزایش سپرده و اعطای تسهیلات در سالهای بعد از اجرای قانون بانکداری بدون ربا با سالهای قبل از آن انجام داده و از طریق آن نتیجه گیری شود که تغییرات روند چگونه بوده است، هرچند در این صورت نیز افزایش و یا کاهش ارقام لزوماً به معنی توفیق و یا عدم توفیق مقوله ربوی نبودن بانکها نمی تواند باشد. به عبارت دیگر مانمی توانیم فقط به استناد آمار و ارقام به مقایسه بین دو نظام بانکی ربوی و غیر ربوی بپردازیم.

۳ - بررسی سهم تسهیلاتی که آنها را به عنوان تسهیلات عمده در نظر گرفتیم نشان داد که علیرغم وجود عقود مختلف آنچه به طور عمده در نظام بانکی مائتفاق

افتاده تمرکز اساسی و تعیین کننده بر سه عقد فروش اقساطی، مضاربه و مشارکت مدنی بوده است و سایر عقود از سهم بسیار کمی برخوردارند به نحوی که چندان به حساب نمی آیند. تحلیل این معنی که شرایط اعطای تسهیلات و نحوه بازپرداخت و کنترل شیوه‌های هزینه کردن در این نوع عقود چگونه است که مجموعه سیستم را به سمت اجرای آنها سوق داده است موضوع مهمی است که پرداختن به آن در واقعی کردن انواع عقود می‌تواند مؤثر باشد. البته مسائل دیگری از قبیل تأثیراتی که این عقود بر متغیرهای اقتصادی دارد نیز از جمله مختصات مرتبط با عقود است که بررسی خاص حاصل می‌شود.

۴ - مطالعات نشان دهنده آن است که در مجموعه سیستم سهم تسهیلات مربوط به قرض الحسنه عمدتاً یک رقمی و در مقایسه با سهم تسهیلات عمده بسیار کم است. با عنایت به ارزان بودن این نوع از تسهیلات از یک طرف و انتظاراتی که در جهت رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جامعه از آن متصور است باید سیستم بانکی نسبت به حضور و وجود و یا عدم وجود این نوع تسهیلات در خود تصمیم بگیرد و مراحل قانونی آن را طی کند. به نظر ما شرایط فعلی یکی از بدترین شرایطی است که در شبکه بانکی وجود دارد. بی توجهی در زمینه افزایش سهم این تسهیلات و آن را زائده‌ای ارزان بر سیستم دیدن آثار فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی بسیاری دارد که چهره استثماری نبودن سیستم را خدشه دار کرده است. پیشنهاد ما این است که این نوع تسهیلات را از شبکه تولیدی و صنعتی و اقتصادی نظام بانکی جدا کرده و برای اعطای آن به همراه صندوقهای قرض الحسنه مردمی در مجموع ضوابط و تشکیلاتی ایجاد گردد و این خود موضوع تحقیق جداگانه‌ای می‌تواند باشد.

۵ - در جستجوی بررسی و تعیین تأثیر فعالیتهای نظام بانکی بر متغیرهای کلان در اقتصاد متوجه نقصان برجسته و قابل اهمیت آمارهای تدارک شده در نظام

بانکی می‌شویم. تعیین توفیق و یا عدم توفیق نظام بانکی کشور در تحقیق اهدافی که از ایجاد آن مد نظر بوده است به طراحی یک مجموعه آماری سنجیده و مطابق با واقعیات حاکم بر بانکداری بدون ربا معطوف میشود، مقوله‌ای که جای خالی آن کاملاً محسوس است.

۶ - مشکلات مهم و بعضاً اساسی‌ای که نظام بانکی با آنها روبروست در مشکلات ناشی از قوانین و مشکلات اجرائی قابلیت طبقه‌بندی دارد. از جمله مشکلات اجرائی مشکلات ناشی از تخصیص تسهیلات، میزان بازدهی سرمایه‌گذاری، چگونگی آموزش، میزان آگاهی مشتریان از نظام، صوری بودن معاملات و مسائل ناشی از تصور اسلامی بودن قوانین و مقررات است.

نقصان انگیزه کارکنان جهت ارائه خدمات لازم به مشتریان و تن دادن بانکها به جریان تبلیغاتی که لبه تیز جاذبه آن اعلام درصدهای سود بانکی است که به ارمغان مشتری می‌آورند نیز به نظر ما از جمله مشکلات بانکهاست زیرا این مقوله با روح حاکم بر قانون سازگار نیست. و بالاخره از ویژگیهای مشکل‌زای نظام بانکی آن است که علت بسیاری از مشکلات از طرف مسئولین دولتی بودن بانکها تصور می‌شود درحالی که باید تحقیق کرد سهم متغیرهای مختلف که از جمله آنها دولتی بودن هم هست در مشکلات موجود چقدر است و آنگاه در صورتی که رابطه معنی‌دار و قابل اعتنائی بین دولتی بودن و مشکل دار بودن یافت شد اندیشه متناسب را برای رفع آن به کار گرفت.

منابع

این مقاله منتخبی از طرح تحقیقاتی پایان یافته «بازنگری و ارزیابی قانون عملیات بانکی بدون ربا» است که به سفارش مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران توسط نگارنده در سال ۱۳۷۲ انجام گرفته است.